

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه قیامة

استاد ضرابی

جلسه پنجم ۱۴۰۳/۴/۱

آیات شریفه: «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶) إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷) فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)» - زیانت را به خاطر عجله برای خواندن آن [= قرآن] حرکت مده (۱۶) چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست (۱۷) پس هر گاه آن را خواندیم از خواندن آن پیروی کن (۱۸) سپس بیان و توضیح آن نیز بر عهده ماست (۱۹)»

آنچه که خود بر عهده گرفته و آنچه که بر شما فریضه نموده است!

«لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ...» غدیر در شأن نزول این آیه شریفه، نمونه‌ای است از چگونگی تقابل میان خواسته‌های نفس لوامه و محکمه وجدان بشری و همچنین عواقب پیروی از هواهای نفسانی و نحوه برخورد انسان با حقایقی که می‌داند و نمی‌خواهد به آن پایبند باشد؛

در شأن نزول این آیات مطالبی را می‌خوانیم که فهم ارتباط این آیات با آیات قبل از آن را برایمان آسان‌تر می‌کند: در روایت از امام باقر علیه السلام وارد شده است که حذیفه بن یمان گفت: «به خدا سوگند پیش روی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بودم هنگامی که ما را در غدیر خم پیاده کرد، فرمود: «هرکس که من مولای او هستم علی (علیه السلام) مولای اوست، خدایا هرکس را که او را دوست بدارد دوست بدار و هرکس را که او را دشمن بدارد دشمن بدار و هرکس را که به او یاری کند، یاری کن و هرکس را که او را خوار سازد، خوار کن». به خدا سوگند که دیدم معاویه برخاست و خود را گرفت و در حال غضب دست راست خود را بر عبدالله بن قیس اشعری و دست چپ خود را بر مغیره بن شعبه گذاشت و از روی تکبر گام برداشت در حالی که می‌گفت: ما سخن محمد (صلی الله علیه و آله) را تصدیق نمی‌کنیم و به ولایت علی (علیه السلام) اقرار نمی‌کنیم. پس خدا این آیه را نازل کرد: فَلَا صَدَقَ وَ لَا صَلَّى وَ لَكِنْ كَذَبَ وَ تَوَلَّى ثُمَّ دَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (قیامت/۳۳-۳۱) پیامبر خواست که او را برگرداند و بکشد ولی جبرئیل به او گفت: لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ پس پیامبر از آن ساکت شد.» (بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۹۳)

تو ز قرآن بازخوان تفسیر بیت گفت ایزد ما رمیت از رمیت

گر بپرانیم تیر آن نه ز ماست ما کمان و تیر اندازش خداست

«فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» از آنجا که مورد مخصص نیست و شأن نزول آیه مفهوم آیه را محدود و مقید به خود نمی‌کند، یکی از درس‌هایی که این آیه به ما می‌آموزد این است که باید متوجه درک وظایف اصلی خود باشیم و بر انجام آنها مواظبت کنیم و در اموری که خداوند خود بر عهده گرفته، از خود حرص نشان ندهیم. امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «قَدْ تَكْفَلَ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَ أَمَرْتُمْ بِالْعَمَلِ، فَلَا يَكُونَنَّ الْمَضْمُونُ لَكُمْ طَلَبُهُ أَوْلَى بِكُمْ مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَيْكُمْ عَمَلُهُ، ...» (نهج البلاغه/ خطبه ۱۱۴) «خداوند روزی شما را بر عهده گرفته و شما را به عمل فرمان داده. مبدا طلب چیزی که برای شما بر عهده گرفته اند، از چیزی که بر شما فریضه کرده اند سزاوارتر جلوه کند. به

خدا سوگند، که شك روی آورده و یقین به شك آلوده شده، تا آنجا که پندارید، که تحصیل رزق تعهد شده، بر شما واجب است و به جای آوردن واجبات، از شما ساقط. به عمل روی آورید و از ناگهانی رسیدن مرگ بیمناک باشید، زیرا امیدی به بازگشتن عمر از دست رفته نیست و حال آنکه روزی از دست رفته باز خواهد گشت. هر چه از روزی شما که امروز فوت شود، امید است که فردا به زیادت باز آید ولی عمری که دیروز از دست رفته، امروز باز آمدنش را امید نخواهد بود. پس امید همراه چیزی است که می آید و نومیدی همراه چیزی است که گذشته است. «پس از خدا بترسید انسان که شایان ترس از اوست و جز بر دین اسلام نمیرید.»

حافظ قلم شاه جهان مقسم رزق است از بهر معیشت مکن اندیشه باطل
 «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ...» البته فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام شامل ارزاق معنوی از قبیل علم و آگاهی و دیگر کمالات معنوی هم می شود. بلکه باید گفت گفتگو درباره آنها سزاوارتر است.

علم، آگاهی و کمالات معنوی از جانب خداوند به عنوان پاداش پیروی و متابعت از دستورات او ضمانت شده و کوتاهی در آن صورت نخواهد گرفت؛ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷)

بنابراین مشکل اساسی این است که انسان ها بر اساس علم، آگاهی و دانش خود عمل نمی کنند و عملشان با علمشان تضاد دارد. در آیات قبل به این حقیقت اشاره داشت که ماهیت وجود انسان از ابعاد مختلفی تشکیل شده است که شناخت علمی و عقلانی علوم و آگاهی های مختلف، لزوما منجر به رفتارهای متناسب با آنها نمی شود، مگر اینکه انسان بتواند هواهای نفسانی خود را کنترل نماید و با عزم و اراده، در مرحله عمل، شناخت و آگاهی های خود را تحقق بخشد.

ای بسا عالم ز دانش بی نصیب
 حافظ علم است آن کس نی حبیب
 اگر بخواهیم به بعضی موانع عمل به دانسته های انسان به اجمال اشاره کنیم می توانیم بگوییم نفس و شیطان مانع اصلی هستند:

دل بستگی ها و نگاه غلط به زندگی: خداوند می فرماید: «کسانی که به لقاء ما امیدی ندارند، و به زندگی دنیا دل بسته و آرامش یافتند، و کسانی که از آیات ما بی خبرند به سبب آن چه که عمل کرده اند جایگاهشان آتش است (یونس/۸۷)؛ در آیه دیگر می فرماید: شما کالای دنیا را دنبال می کنید و خداوند آخرت را برای شما می خواهد (انفال/۶۷)

وسوسه های شیطانی: در آیات متعددی خداوند به این حقیقت اشاره دارد که وسوسه های شیطان از راه قلب در انسان تاثیر می گذارد (طه/۱۲۰) شیطان با تزئین (نیکو جلوه دادن) اعمال زشت، انسان را می فریبد (نحل/۶۳)، شیطان با دادن وعده های دروغ به انسان، او را راضی به ارتکاب گناه می کند (نساء/۱۲۰) شیطان به وسیله ترساندن انسان نسبت به آینده اش، او را در دام زشتی ها می اندازد (بقره/۲۶۸)، و خلاصه آنکه شیطان و نفس مانع ایمان و بندگی حق تعالی می گردد.
 بر سر آنم که گر ز دست بر آید
 دست بکاری ز منم که غصه سر آید
 خلوت دل نیست جای صحبت اضداد
 دیو چو بیرون رود فرشته در آید

«ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ...» در سوره مبارکه الأنفال آیه ۲۹ می خوانیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر تقوا پیشه کنید و از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید به شما نورانیت و روشن بینی خاصی می بخشد که بتوانید حق را از باطل به خوبی تشخیص دهید.»

تقوای الهی موجب می شود انسان افزون بر چشم ظاهری، به چشم دل نیز مجهز شود، چرا که با چشم ظاهری نمی توان حق را از باطل جدا کرد؛ در درون تاریکی فتنه ها و تیرگی شبهات نمی توان حق و باطل را دید. اینجاست که نور باطنی باید بر درون تاریکی بتابد و ظاهر را بشکافد و به باطن

در آید و حق را از باطل جدا نماید. این نور تابنده همان نور بصیرتی است که در آدم متقی وجود دارد.

امام صادق(ع) می‌فرماید شیعیان ما دارای چهار دیده هستند. دو چشم ظاهر که در سر است و دو چشم باطن که در قلب است. البته همه انسان‌ها این گونه هستند ولی خداوند تنها چشم باطن و قلب مومنان را باز می‌کند و چشمان باطن دیگران کور می‌ماند و باز نمی‌شود. (کافی، کلینی، ج ۸، ص ۲۱۵، حدیث ۲۶۰)

علم صورت پیشه آب و گل است
 علم معنی رهبر جان و دلست
 گنج پنهان است علم معنوی
 در تو آید گر ز خود بیرون شوی

اللهم صل علی محمد و آل محمد